

# شرق

## روزنامه

دستگروشان با پهن‌کردن بساط اجناس دسته دوم در خیابان سیروس شهر سنندج مشغول کاسبی هستند. / عکس: کیوان فیروزه‌ای، تسنیم



www.sharghdaily.ir  
یکشنبه ۲۸ شهریور ۱۴۰۰ ۱۲ صفر ۱۴۴۳ - ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۱  
سال نوزدهم • شماره ۴۱۰۰ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۵۸ • اذان مغرب ۱۹:۲۴  
اذان صبح فردا ۵:۲۷ • طلوع آفتاب ۶:۵۱

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌رو

نور نوشت

بامداد ۲۱ سپتامبر، همان ۳۰ شهریورماه خودمان، در مقر سازمان ملل متحد زنگی نواخته می‌شود که از سکه‌های پیشکش شده از سوی کودکان سراسر جهان درست شده است. ۲۱ سپتامبر، ۳۰ شهریور روز جهانی آشتی (صلح) نامیده شده است و هرسال در این روز در مقر سازمان ملل آیین بزرگداشت آشتی (صلح) جهانی برای همه برگزار می‌شود. برای بسیاری از ما آشتی در برابر جنگ واگو می‌شود. برخی آشتی را برابر با نبود کشمکش و ستیز می‌دانند. در این راستا از آشتی با دیگران و هم آشتی با خود/خویشتم می‌توان سخن گفت. کسان دیگری هم آشتی (صلح) را ترکیبی از برهیز از زور، آزادی فردی و برابری اجتماعی دانسته‌اند. اگرچه نابرابری‌ها ریشه کشمکش شمرده می‌شوند، ناهمانندی‌ها و رودرویی‌ها، مقایسه‌ها و ارزیابی‌ها بخشی از چیرستی زندگی گروهی ما هستند که می‌توان با آگاهی بیشتر و دلبستگی گروهی بدون ستیز و جنگ چالش‌ها را از سر گذراند؛ این هدفی است که باورمندان به آشتی (صلح) جهانی برایش می‌کوشند تا آدمی از گزند خشم و برانگیختگی‌های منفی به‌دور بماند. روز جهانی آشتی به‌ویژه هشداری همگانی برای نهادهای آموزشی است که اگر آشتی (صلح) را به‌مثابه موضوعی برجسته در برنامه آموزشی و کار آموزشی ننگنجانند، خواسته یا ناخواسته به نهاد بازتولیدکننده

نابرابری‌ها، رقابت‌های منفی و ستیز تبدیل خواهند شد. بسیاری از ستهندگان و جنگ‌افروزان دانش‌آموختگان مدرسه‌ها و دانشگاه‌هایی هستند که به آشتی (صلح) بی‌اعتنا بوده و خود پرورنده فزون‌خواهی، پرخاشگری و زورگویی شده‌اند. آشتی آموختنی است و برای پاسداری از آشتی پایدار همه ما نیازمند آموزش، مهارت‌ها و بازورزی (تمرین)‌های فردی و گروهی هستیم. آشتی در نهاد خانواده و سپس آموزشگاه تجربه و زیسته می‌شود و چه‌بسا بیشترین کاستی یا آسیب به فرهنگ آشتی همگانی هم از خانواده و مدرسه ریشه بگیرد. در دهه کنونی آمار ملی گویای افزایش ناسازگاری، کمبود مهارت‌های حل مسئله و ناتوانی در از میان برداشتن تعارض در خانواده‌ها و میان والدین بوده است. برای آموزش مهارت‌های آشتی همگانی ما نیازمند نظام رسانه‌ای آگاهانه و مسئولیت‌پذیر، آموزش‌های فلسفه (اندیشیدن) برای همه و توجه ویژه به کودکان هستیم. آموزش هنگامی اثربخش خواهد بود که جامعه و نهادهای اجتماعی/اقتصادی/سیاسی برنامه هرراستا و هماهنگ برای گسترش آشتی پایدار را دنبال کنند. چنین برنامه‌ای در اصل بر توسعه پایدار ملی و بومی برای همگان پایه‌ریزی می‌شود. نمی‌توان در کشمکش و ستیز با چرخه‌های اجتماعی و زیستی به سر برد و سخن از توسعه پایدار و آشتی همگانی هم گفت. آشتی را با دو رویکرد می‌توان بازگو کرد: آ. رویکرد فراروده‌نگر؛ نبود جنگ یا توقف ستیز را آشتی تعریف کنیم که به یک وضعیت (آشتی=نبود جنگ) می‌پردازد و ب. رویکرد فرایندنگر؛ که نه‌تنها به نبود جنگ پرداخته می‌شود بلکه پدیدآورندگان و زمینه‌سازهای

هفته‌نوشت

## آشتی، جهانی شدنی نیست مگر...

جنگ و ستیز ازجمله ناب‌خورداری (فقر)، نابرابری، زورگویی، قدری و زیاده‌خواهی هم بررسی می‌شوند. پیش از توقف جنگ باید بدانیم ریشه‌های ناهمانندی‌ها چه هستند و پیاموزیم چگونه می‌توانیم با همه ناهمانندی‌ها رواداران‌ه در کنار هم زندگی کنیم. امسال روز جهانی آشتی همگانی با چیرگی گروه‌های مسلح در کشور همسایه و هم‌زبان‌مان هم‌نگام شده است. این وضعیت با سکوت رسانه‌ها و جامعه جهانی همراه بوده. این پهنه سیرزمینی امروز نمایانگر رودرویی‌های مفهومی و کارکردی جهانی است. آشتی جهانی شدنی نیست مگر اینکه اراهه جنگ‌افروزی جهانی از کار بیفتد. تا هنگامی که اقتصاد جنگ‌افزاسازی روند تاریخ را رقم می‌زند، آشتی برای همگان دسترس‌ناپذیر است. پیامدهای ناسازگاری و ستیزکاری در برابر طبیعت و زمین هم این روزها بیش از گذشته نمایان است. ما با جهانی که خانه و زندگی‌مان را فراهم کرده، زورمدارانه رفتار کرده‌ایم. با فزون‌خواهی‌ها و زیاده‌روی‌ها زمین، زنگدان (جانوران و گیاهان و دیگران) و آدمیان را دچار آسیب و تنش کرده‌ایم. در روز جهانی آشتی (صلح) از خود بیرسیم کجای کارمان خطا و کدام شیوه‌مان ناروا بوده که هم درون‌مان آکنده از تنش و کشمکش است و هم بیرون‌مان درگیر ستیز، زندگی تنها از آن ما نیست، از آن جوان‌تراها هم هست. بپذیریم که ما تکه‌های از یک کل فرایک هستیم. برای بهره‌مندی از فرصت زندگی نیازمند مهارت‌های آشتی هستیم و در این کار با دشواری‌ها و کاستی‌هایی روبه‌رو می‌شویم. بدانیم و بخواهیم با خود، بیرون‌مان و کل فرایک آشتی کنیم.

زنان

### سکوت زنان برنده صلح

گیسو ففغوری

اکنون ناپدید هستند. خبری نه از «شیرین عبادی» و «نگ سان سوچی» است که بیشتر درگیر معادلات سیاسی هستند و نه از «نادیا مراد» دختر ایزدی که در چنگ داعش عذاب‌هایی باورنکردنی کشید، نه از «وکل کرمان» زن یمنی و نه از «ملاله یوسف زی» که مورد حمله طالبان پاکستان قرار گرفت. البته «ملاله یوسف زی» هم به پیشنهاد نیویورک‌نایمز، سرمقاله‌ای با عنوان «لولایس خواهران افغانم هستم، نوشت و از ترس و ناامیدی دختران و زنان افغان در سایه حکومت طالبان گفتم و توصیه‌هایی برای تغییر این چشم‌انداز ارائه داد.

او نوشته بود: «نمی‌توانم به دوران کودکی خودم فکر نکنم. وقتی طالبان شهرم را در دره سوات پاکستان در سال ۲۰۰۷ تصرف کردند، مدت کوتاهی پس از آن تحصیل برای دختران ممنوع شد و من کتاب‌هایم را زیر شال عریض و بلندم پنهان می‌کردم و با ترس به مدرسه می‌رفتم». ملاله یوسف زی چندروز پیش هم در نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد که با شرکت ۱۵ عضو شورای امنیت سازمان ملل متحد برای بررسی آخرین تحولات افغانستان برگزار شده بود، سخنرانی کرد و از کشورهای جهان خواست تا تلاش کنند زنان افغان به آموزش دسترسی داشته باشند و کسی نتواند مانع آموزش آنها شود. او گفت: «ما باید از آموزش دختران افغان حمایت کنیم زیرا این حق انسانی آنهاست و این کار برای یک افغانستان صلح‌آمیز و ثبات حیاتی است». البته بسیاری از فعالان حقوق زن افغان انتظار داشتند یکی از آنان یا یکی از زنان و دخترانی که این روزها در کابل یا پنجشیر یا هر نقطه دیگری از این کشور تحت سلطه زندگی می‌کند، در این نشست حاضر باشد و سخن بگوید.

به نظر می‌رسد، زنان افغان دو سوی یک محور قرار دارند؛ آثانی که فریاد می‌زنند دموکراسی نمی‌خواهند و البته اعلام نمی‌کنند چه می‌خواهند و زنان دیگری که فکر می‌کنند آرزوها و رؤیاهایشان سوخته است و تمام تلاش‌های این چندسال آنان به هدر رفته و قرار است بار دیگر با آنان مانند برده رفتار شود یا به پستی‌خانه‌ها رانده شوند. باید راهی پیدا کرد تا دختران متولد شده و بالیده در این دو «ه» بهای تسلط طالبان را با له‌شدن و فراموش شدن نبردانند.

پرنده آبی

دختران فوتبالی در تاشکند

● این روزها در شبکه‌های اجتماعی، سخن از دختران عضو تیم ملی فوتبال است. دخترانی سرحال و بانشاط که با کت‌وشلوارای ایران می‌خوانند و ژست می‌گیرند و از دست‌اندرکاران تیم ملی تشکر می‌کنند و با غرور و شادی سوار هواپیما روانه تاشکند می‌شوند. دخترانی که راضی هستند و آن‌طور که مریب‌شان در اینستاگرام نوشته است، فکر نمی‌کردند این همراهی با آنها شکل بگیرد. این دختران سرحال،



باعث امیدواری هستند؛ حتی اگر نتیجه‌ای هم در مسابقات به دست نیآورند، حتی اگر ناکام بازگردند. هرچند بسیاری می‌دانند این حال خوب، اگرچه خاطره می‌شود، اما چندان ماندگار نخواهد بود. دختران تیم ملی روانه تاشکند شده‌اند تا در مسابقات مقدماتی جام ملت‌های آسیا شرکت کنند. بسیاری در شبکه‌های اجتماعی برایشان آرزوی امیدواری کرده‌اند؛ آرزوی پیروزی و آرزوی اتفاق خوب. یک عکس از مریم مجد نیز مورد استقبال قرار گرفته است، اما بسیاری می‌دانند که خبری از پخش مسابقات آنها نخواهد بود. هم خودشان و هم مردم می‌دانند که این بازیکنان فوتبال در صداوسیما کشور جایی نخواهند داشت. می‌دانند قرار نیست مانند مسابقات ریز و درشت فوتبال مردان، کسی بازی آنها را تفسیر کند یا برای گلی که می‌زنند، در رسانه‌های رسمی تشویق شوند. جای خالی آنها در صداوسیمای کشورشان در این چند روز کاملا مشهود خواهد بود. بسیاری از فرزانه فصیحی، دونده ایرانی که

در المپیک درخشید، یاد کردند؛ دونده‌ای که با وجود درخشش، مسابقه‌اش از صداوسیما پخش نشد. هرچند شبکه‌های اجتماعی قرار است این کمبود را جبران کنند و با اشتیاق چشم دوخته‌اند به تاشکند و فعالیت‌های این دختران جوان فوتبالیست را دنبال می‌کنند.

انتشار ویدئویی از شهر دزفول که تعدادی از جوانان را در حال نوازندگی در یکی از ابنیه‌های تاریخی این شهر نشان می‌داد اخیرا حاشیه‌هایی به دنبال داشت.

ایجاد این حاشیه احتمالا کار را برای دیگر علاقه‌مندان به موسیقی در دزفول برای مدت زیادی با مشکل مواجه می‌کند.

مسئولان دزفول؛ نشر این ویدئو را برخلاف نظام ارزشی این شهر دانستند، به‌طوری‌که دزفول را «دارالمؤمنین» خطاب کردند. صفتی که البته می‌تواند محل بحث و چالش با بسیاری از شهرهای دیگر شود.

چرا در دزفول با داشتن دیرینگی فرهنگی حتی در بخش موسیقی شاهد چنین واکنشی از سوی مسئولان نسبت به جوانان علاقه‌مند به موسیقی بودیم. آن هم جوانانی که هوشمندانه فضای بومی در بافت تاریخی -خانه صنیعی- را برای ضبط ویدئوموزیکشان انتخاب کرده بودند.

شاید یکی از دلایل ایجاد این حرف و حدیث‌ها، نامتوازن‌بودن مدیریت نظام فرهنگی – آموزشی در این شهر باشد.

متخصصان علوم اجتماعی در این‌باره باور دارند که باید با تامل و اندیشیدن عمیق بر مفاهیم نظام ارزشی و نظام فرهنگی، به نسبت اینکه از کدام جامعه و در چه زمان و با چه محیطی سروکار داریم، به راهکارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت فکر کرد که این دو نظام را به نزدیک‌ترین موقعیت نسبت به یکدیگر برساند.

باید دقت داشت که دورشدن این دو نظام از یکدیگر

زیر آسمان ایران

## ضعف نهادهای فرهنگی در مدیریت موسیقی نواحی خوزستان

قاسم منصور آل‌کتیر

عموما به بروز آسیب‌های اجتماعی شدید منجر می‌شود و به باور ناظران باعث سردرگمی‌های هویتی و فرهنگی در نهایت به‌نوعی آتومی اجتماعی کشیده می‌شود. البته نزدیک‌شدن دو نظام نباید از خلال فرایندهای آمرانه صورت گیرد و استفاده از این روش اغلب نتایج معکوس می‌دهد و میان دو نظام را با تنش مواجه می‌کند. هرکس دغدغه و حفظ نظام‌های ارزشی جامعه و تقویت آنها را داشته باشد، باید حفظ و تقویت نظام‌های فرهنگی را نیز به همان میزان به‌صورت هم‌زمان و هماهنگ برنامه‌ریزی کند.

اما آیا دزفول عقبه‌ای در زمینه موسیقی دارد؟ در دزفول به‌لحاظ اینکه بافت جامعه آنجا مذهبی است قاعدتا تولیدات حوزه موسیقی آنها اغلب به سمت مناسک مذهبی معطوف است. البته که دزفول سرشار و غنی از میراث معنوی به‌ویژه در میان زنان است که میراث‌داران جدی آن فرهنگ هستند.

در دزفول سبک‌های موسیقی «سرکلکی» و «حجج» که شباهت بسیاری با «حجج عربی» دارد، شناخته‌شده هستند. نباید فراموش کرد که مهم‌ترین سبک موسیقی دزفول، سبک موسیقی ۲۴ مَقوم است که دارای دیرینگی فرهنگی است که می‌توان آن را به‌عنوان میراث مشترکی میان مردم شوشتر و دزفول دانست که در فهرست آثار ملی نیز به ثبت رسیده است.

در مسائل فرهنگی، اولیم، ویژگی‌های جغرافیایی، زبان و فرهنگ نقش مؤثری دارند و ازاین‌رو که خوزستان دارای تنوع فرهنگی است، می‌توان به‌جرت گفت که همیشه بی‌جواب مانده است.

هنر

## فرهاد فخرالدینی، هفت‌اقلیم را می‌سازد

تصریح کرد: به‌مناسبت قرارگرفتن نام عطار نیشابوری در فهرست مشاهیر جهانی در سال ۲۰۲۱، «هفت‌اقلیم» بر اساس داستان اصلی منظومه منطق‌الطیر عطار ساخته شده و به‌زودی توسط اکستر سمفونی صداوسیما مراحل ضبط آن آغاز خواهد شد.

در زمینه تصنیف آثار ارکسترال، به سفارش کمیسیون ملی یونسکو در مراحل پایانی تولید قرار دارد. وی یادآور شد: اثر مذکور با نام «هفت‌اقلیم» برای ارکستر سمفونیک، گروه کر، تکخوان و یک راوی تصنیف شده و شامل چندین پرده (موومان) است.ایوبی

آخرین اثر استاد فرهاد فخرالدینی با عنوان هفت‌اقلیم در آخرین مراحل تولید قرار دارد. به گزارش روابط عمومی کمیسیون ملی یونسکو-ایران، حجت‌الله ایوبی، دبیرکل این کمیسیون در این‌باره اظهار کرد: این اثر استاد فرهاد فخرالدینی



اتفاق



**سینا مدادی:** مسعود کیمیایی پس از سال‌ها، برای ساخت فیلم سینمایی «میراث»، دست به کار شد. فیلم‌نامه میراث را احمد شاملو نوشته است. داستان میراث از مواجهه پسری با مرگ پدرش آغاز می‌شود که در خانه درگذشته و فضای مرگ تمام محیط پیرامون را گرفته است. در ورا این داستان، ماجراجای حزب دموکرات در آذربایجان در سال ۱۳۴۲ روایت می‌شود.



**ووک:** آیلش ۱۹ساله که وکان و فعال حفظ حقوق حیوانات است، برای پوشیدن لباس گلیبهی با دنباله چهارمتری خانه مد اسکار دارلن‌تا یک شرط تعیین کرد و درخواست کرد این خانه مد دیگر از محصولات خردار استفاده نکند. او گفت: «بسیار هیجان‌زده‌ام که تغییری را ایجاد کرده‌ام که نه تنها برای حیوانات بلکه برای سیاره ما و محیط زیست نیز مفیدتر است.»



**این‌دیندنت:** اعضای اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی (IUCN)، زنان خلیفه المبارک را برای ریاست این نهاد بین‌المللی برگزیدند. این انتخاب پیش از پایان نشست بین‌المللی تنوع زیستی در شهر ماریس فرانسه، رخ داد و او به عنوان نخستین زن عرب و دومین زنی انتخاب شد که پس از ۷۳ سال از تشکیل این سازمان بین‌المللی به ریاست آن رسیده است.



**بی‌بی‌سی:** «دوش بگیر» عبارتی بود که تماشاگران بازی فوتبال در استادیوم جک تریس در ایالت آیووا، اشتون کوچر، بازیگر سینما، را با آن بمباران کردند. این ماجرا در ارتباط با اظهارات اخیر کوچر و همسرش «میلان کونیس» روی داد. آنها گفته بودند کودکانشان را تنها هنگامی حمام می‌کنند که «آثار کثیفی روی آنها دیده شود».



**ایسنا:** به گزارش خبرگزاری فلسطینی «وفا»، یعقوب القادری، یکی از شش نفر از اسرای فلسطینی که موفق به فرار از زندان فوق امنیتی جلیوع شده بود و مجددا بازداشت شدند، گفت: «بهترین روزهای زندگانی‌ام پنج‌روزی بود که پس از فرار بدون هیچ محدودیتی در فلسطین سیرری کردم. کودکانی را در خیابان دیدم که بازی می‌کردند و یکی از آنها را بوسیدم.»



**هاییادو ریوتزور:** جدیدترین فیلم جیمز باند به نام «زمانی برای مردن نیست» با بازی دنیل کریک و طولانی‌ترین زمان ساخته شده. بسیاری از هواداران به این زمان طولانی اعتراض داشتند. به نظرشان این فیلم ۱۶۳دقیقه‌ای را بیهوده طولانی کرده‌اند. «کری فوکوناسا» کارگردان این فیلم است که ۱۶ مهر در آمریکا و هشت روز بعد پخش بین‌المللی خواهد داشت.